



ضرورت اتحاد اسلامی

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله الحرام



خطر زلزله پایتخت

ارزیابی زمین لرزه البرز و فرونشست تهران با گفتارهایی از مهدی زارع و علی بیت‌اللهی



دگرگونی ساختاری حوزه عمومی

گفت‌وگو با کمال پولادی درباره کتابی که از یورگن هابرماس ترجمه کرده است



از همسویی تا سه‌گانگی

بررسی مواضع و بیانیه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی درباره مذاکره ایران و آمریکا

بررسی نسبت حوثی‌ها و ایران در پی حمله موشکی به فرودگاه بن‌گوریون اسرائیل

تحلیل هم‌میهن

اثر شلیک بر مذاکرات



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

اصابت موشک بالستیک حوثی‌های یمن به اطراف فرودگاه بن‌گوریون در نزدیکی تل‌آویو فضای خاورمیانه را بیش از پیش ملتهب کرده است. به‌رغم بمباران بی‌وقفه منافع نظامی و تأسیسات زیربنایی و انرژی و خدماتی حوثی‌های یمن توسط بمب‌افکن‌های آمریکایی، حوثی‌ها همچنان شلیک موشک به اهداف اسرائیلی و ناوهای آمریکایی در منطقه را ادامه می‌دهند. در چند روز گذشته، منابع اسرائیلی از هدف قرار دادن چند موشک بالستیک حوثی‌ها بر فراز اسرائیل با استفاده از دو سامانه ضد موشکی پیکان و تاد خبر داده بودند. اما این دو سامانه که یکی اسرائیلی و دیگری آمریکایی است، از شکار موشک روز یکشنبه حوثی‌ها عاجز ماندند؛ به‌طوری‌که موشک در نزدیکی فرودگاه فرود آمد و ضمن زخمی کردن سطحی پنج نفر، پروازهای عادی فرودگاه را مختل کرد. بسیاری از شرکت‌های هواپیمایی بین‌المللی، برنامه پرواز خود به فرودگاه را برای چند روز لغو کرده‌اند و علت آن را «مشکلات امنیتی» برشمرده‌اند. برخی تحلیل‌گران بین‌المللی حوثی‌های یمن را به مثابه «فندق سفت» که شکستن آن به آسانی امکانپذیر نیست، توصیف کرده‌اند. ظاهراً دولت ترامپ در حال تجربه درگیری با این فندق سفت است. چند روز پیش شبکه خبررسانی سی‌ان‌ان گزارش داد که ناو هواپیمابر ترومن در دریای سرخ برای فرار از موشک حوثی‌ها مجبور به انجام عملیات «ریگزاک» شده است؛ به‌طوری‌که یک فروند جنگنده اف ۱۸ به قیمت ۶۰ میلیون دلار از عرشه ناو به دریا سقوط کرده و غرق شده است. متعاقب این گزارش، پیتربرایان هگست وزیر دفاع آمریکا با انتشار متنی در شبکه ایکس با عنوان «پیام به ایران» نوشت: «ما شاهد حمایت مرگبار شما از حوثی‌ها هستیم و دقیقاً می‌دانیم چه می‌کنید.»



مجادله در شورای شهر تهران اوج گرفت

دوقطبی ماندن و رفتن زاکانی

گزارش شهر ۲۰۳

مهدی اقراریان عضو شورای شهر تهران

نگاه آقای زاکانی به شورای شهر تهران مبتنی بر این است که من کار خودم را می‌کنم. معتقدم آقای زاکانی و مدیران شهرداری با حوزه نظارت چالش جدی دارد. در مقابل این تفکر وجود دارد که ما باید لیست واحد وارد شورای شهر شدیم پس باید چشم خود را بر خطاها و اشتباهات شهردار منتخب خود ببندیم. اگر خطاها را اعلام کنیم فرصتی می‌شود برای رقیب سیاسی ما برای آنکه در انتخابات آینده پیروز شود و مدیریت شهری از دست مایرون می‌آید. این استدلال در جلسات آشکار و غیر آشکار وجود دارد.

ناصر امرانی عضو شورای شهر تهران

ما باید مشکلات مردم را بازگو کنیم و برای آن راه حل پیدا کنیم. بنابراین از ابتدای دوره دو نوع تفکر در شورای شهر تهران وجود داشته است. اما بعضی می‌گویند اگر مشکلات مردم را مطرح کنید هم آب به آسیاب دشمن ریختن است و بهانه به دست آنها دادن است. اما اگر اینطور باشد که فلسفه نمایندگی به طور کامل از بین می‌رود. مردمی که رای دادند توقع دارند که مسائل را به شهرداری منعکس کنیم. البته به اعتقاد من نباید مسائل را سیاسی کنیم. من سعی کردم هر تذکری که در شورای شهر می‌دهم با موضوعی که مطرح می‌کنم عمدتاً از دید کارشناسی و تخصصی باشد.

سرمقاله

بن بست یکدست‌سازی

اختلافات میان اعضای شورای شهر از یک جهت موضوع عجیبی نیست؛ به‌ویژه که وجود اختلاف امری طبیعی است و می‌تواند مفید هم باشد. اختلاف هنگامی زیان‌بار است که به مرحله ستیز می‌رسد و طرفین بر شیوه مشترکی برای حل اختلاف توافق نمی‌کنند. لذا دنبال حذف یکدیگر بر می‌آیند. اعضای این شورا محصول لیست واحدی هستند که خود را در تقابل با دیگران تعریف کرده‌اند. متأسفانه نظام انتخاباتی ایران به گونه‌ای است که تفاهم را با موضوع می‌کند و یک حذف کلی در دوره انتخابات رخ می‌دهد. اگر لیستی ۴۹ درصد آرا را بیاورد و لیست دیگر ۵۱ درصد را، همه کرسی‌های نصیب لیست دوم می‌شود و نامزدهای لیست ۴۹ درصدی به‌صورت کامل حذف می‌شوند. ولی این حذف پیش از انتخابات هم هست. با رد صلاحیت نامزدهای لیست‌هایی با طرفداران بزرگتر از ابتدائی آیند یا بیایند رخمی شوند (گرچه دامنه رد صلاحیت‌ها در انتخابات شوراها معمولاً محدودتر است). ولی این فرآیند حذف دیگری، به دلایل گوناگونی متوقف نمی‌شود. به همین دلیل، هنگامی که همه نامزدهای یک لیست واحد هم وارد شورا شوند؛ به سرعت تقسیم بر دو می‌شوند و این مسیر تا رسیدن به یک، ادامه می‌یابد تا در پایان فقط یک نفر بماند. البته، پیش از رسیدن به این نقطه؛ این گروه اقلیت به دست حذف‌شدگان قبلی از دور خارج می‌شوند. نمونه روشن این ماجرا را در شورای شهر تهران و عملکرد تبلیغاتی شهرداری تهران می‌بینیم. آن شورایی که در آغاز مثلاً یکدست بود؛ اکنون دو نیم شده و هیچ توافقی هم درباره شیوه حل اختلاف ندارند. طرفداران شهردار می‌دانند که در صورت رای‌گیری دوباره او رای نخواهد آورد و جناح مقابل برنده می‌شود؛ ولی به جای تمکین در برابر رای اکثریت همسو با خودشان (و نه حتی اکثریت مردم که کلاً حضور انتخاباتی موثری در سال ۱۴۰۰ نداشتند)، اصرار می‌کنند که بدون رای‌گیری دوباره آقای زاکانی برای یک سال دیگر شهردار بماند. در صورتی که اعضای شورای شهر فقط برای چهار سال به زاکانی رای داده بودند و ادامه حضور او در این منصب، نه شرعی است و نه قانونی؛ ولی چون رانت بزرگی در آنجا وجود دارد، به احتمال زیاد در این باره تفاهم نکنند و وظیفه وزارت کشور است که به نحو قانونی این مسئله را حل کند. البته حتی حل این مسئله نیز موجب کاهش اختلافات موجود میان شورای شهر تهران و شهرداری نخواهد شد؛ زیرا آنان روی هیچ چیزی توافق نظر ندارند. طرفداران شهردار و مقامات آن حاضر به تفاهم و گفت‌وگو نیستند و اصولاً با این فرهنگ بیگانه هستند؛ لذا شهر و مردم تهران همچنان باید در آتش ستیزه‌های موجود دو جناح از اصولگرایان تندرو و میانه‌بوسوزند.

اگر گزارش امروز «هم‌میهن» در باره فرونشست شهرها را ببینیم، متوجه خواهیم شد که این اختلافات به چه قیمتی از نقض امنیت شهرها به‌ویژه تهران تمام می‌شود. در چنین شرایطی، شهرداری تهران با هزینه‌های بسیار سنگینی دنبال تبلیغات «تهران دوست‌داشتنی» است؛ که البته اگر دوست‌داشتنی شده باشد، نیازی نیست که صد‌ها میلیارد پول مالیات این مردم را به جای جمع‌آوری مطلوب زباله صرف تبلیغات خیابانی و رسانه و توییتر و اینستاگرام کنند. حتماً یک جای کار گیر دارد که باید چنین برداشتی را به زور تبلیغات به دیگران حقنه کرد. غافل از اینکه چنین تبلیغاتی با توجه به تجربه زیسته و روزانه مردم اثر منفی می‌گذارد. در هر حال، تجربه شورای شهر و شهرداری تهران هم مزید بر تجربه ریاست جمهوری سیزدهم نشان داد که یکدست‌سازی چیزی جز یک بن‌بست سیاسی و شکست تمام‌عیار نیست.